

The Need to Assess the Immunity of Civilian Sites in The Law of International Conflict (Emphasis on The Israeli Attack on Tv and Evin Prison)

Seyed Mohammad Reza Mousavi Fard

Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Email: mr.mousavifard@iau.ac.ir

Abstract

The need to assess the immunity of civilian sites in the law of international conflict. From the point of view of the purpose and context of the search, the present examines the need to respect the immunity of civilian premises in the rights of international conflict and focuses on Israeli attacks on civilian centers such as the glass building of sound and signal and Evin prison, analyzing an objective hobby example of violation of this principle. Which is kind of based on international humanitarian law, especially protocols annexed to the Geneva Conventions, the protection of civilian places in armed conflicts is one of the fundamental obligations of the parties involved...However, this study, with a descriptive-analytical approach and citing international documents and judicial procedure, shows that deliberate targeting of civilian infrastructure is not only a violation of the rules of humanitarian law, but also has wide implications for civilian security and regional stability. The examination of these cases indicates that such actions should be prosecuted in international institutions such as the International Criminal Court (ICC). Finally, the above Research search emphasizes the need to strengthen regulatory and executive mechanisms to ensure the observance of the immunity of civilian premises. Regarding the attack on Evin Prison, according to international documents, including the Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (Nelson Mandela Rules), this action is considered a clear example of a violation of human rights and humanitarian law.

Keywords: Immunity of civilian premises, international conflict law, humanitarian law, International Criminal Court.



ضرورت سنجی مصونیت اماکن غیر نظامی

در حقوق مخاصمات بین المللی

(تأکید بر حمله اسرائیل به صدا و سیما و زندان اوین)*

سید محمدرضا موسوی فرد

استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران. رایانامه نویسنده مسئول:

mr.mousavifard@iau.ac.ir

چکیده

هدف و زمینه‌ی جستار حاضر، بررسی ضرورت رعایت مصونیت اماکن غیرنظامی در حقوق مخاصمات بین‌المللی است و با تمرکز بر حمله‌های اسرائیل به مراکز غیرنظامی همانند ساختمان شیشه‌ای صدا و سیما و زندان اوین، نمونه‌های عینی از نقض این اصل را تحلیل می‌کند. بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، حمایت از اماکن غیرنظامی در درگیری‌های مسلحانه از تعهدات بنیادین طرف‌های درگیر است. علی‌ای حال این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استناد به اسناد بین‌المللی و رویه قضایی نشان می‌دهد که هدف‌گیری عمدی زیرساخت‌های غیرنظامی نه تنها نقض قواعد آمره حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود، بلکه پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت غیرنظامیان و ثبات منطقه‌ای بر جای می‌گذارد. بررسی موارد مذکور حاکی از آن است که چنین اقداماتی باید در نهادهای بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) مورد پیگرد قرار گیرند. در نهایت امر، جستار تحقیقاتی فوق بر ضرورت تقویت سازوکارهای نظارتی و اجرایی برای تضمین رعایت مصونیت اماکن غیرنظامی تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مصونیت اماکن غیرنظامی، حقوق مخاصمات بین‌المللی، حقوق بشردوستانه، دیوان کیفری بین‌المللی.

مقدمه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه (IHL)، به‌مثابه رژیم حقوقی ناظر بر تحدید آثار مخاصمات مسلحانه، بر پایه اصول بنیادینی استوار گردیده که اصل تمایز جایگاهی محوری در آن دارد. این اصل الزام‌آور، که تجلی بارز آن در اسنادی چون پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ ملاحظه می‌شود، به‌صراحت تفرقه‌ی نهادین میان اهداف نظامی و غیرنظامی را مقرر داشته و حمایت قاطع حقوقی از اشخاص و اموال غیرنظامی را تضمین می‌نماید. بر این اساس، مصونیت مراکز هم‌چون تأسیسات رسانه‌ای، مراکز درمانی، مؤسسات آموزشی و نیز زندان‌ها (در وضعیت عادی)، فراتر از یک ضرورت اخلاقی، تکلیفی حقوقی الزام‌آور برای کلیه طرفین درگیر محسوب می‌گردد. این مصونیت، سنگ‌بنای حفظ حداقلی‌های تمدن بشری در متن ویرانی‌های ناشی از جنگ و پناهگاه آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه است. مع الوصف، واقعیات عینی مخاصمات معاصر، به‌ویژه در گستره جغرافیای خاورمیانه، همواره با چالش‌های عظیمی در عرصه پابندی به این اصل بنیادین مواجه بوده است. حملهٔ عمدی به اماکنی که بر پایه سرشت و کارکرد خویش، غیرنظامی تلقی می‌گردند، پرسش‌های جدی در خصوص کفایت هنجارهای موجود، تفسیر موسّع مفهوم «هدف نظامی» و نیز کارآمدی سازوکارهای تضمین اجرا و استیفای مسئولیت بین‌المللی برانگیخته است. دو واقعهٔ برجسته جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران یعنی حمله موشکی دولت اسرائیل به ساختمان مؤسسه رسانه‌ای صداوسیما در غزه و حمله پهبادی به زندان اوین در تهران به‌گونه‌ای نمادین در کانون این پرسش‌ها و چالش‌های حقوقی قرار گرفته‌اند. این رویدادها، مستقل از بستر سیاسی و ادعاهای متقابل طرفین مخاصمه، مصادیق بارزی جهت بازکاوی فوری و ضرورت‌سنجی مضاعف مفهوم، قلمرو و ضمانت‌های اجرایی مصونیت اماکن غیرنظامی در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه فراهم ساخته‌اند.

پرسش‌های محوری ذیل در این ارتباط مطرح می‌گردد: آیا صرفاً ادعای «استفاده نظامی» یا حضور موردی عناصر نظامی، می‌تواند مصونیت ذاتی یک مرکز رسانه‌ای فعال با پرسنل غیرنظامی را مخدوش سازد؟ جایگاه حقوقی زندان‌ها که ماهیتاً میزبان جمعیت غیرنظامی به‌شدت آسیب‌پذیر (زندانیان) هستند، در پرتو اصل تمایز چگونه تعریف می‌شود؟ آیا اصول تناسب و احتیاط در حمله به‌مثابه ارکان تکمیلی اصل تمایز، با دقتی شایسته و با لحاظ حداکثری خطرات جانبی برای غیرنظامیان در ارزیابی چنین اهدافی، اعمال می‌شوند؟ و سرانجام، نظام بین‌المللی مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال نقض فاحش این قواعد بنیادین، تا چه میزان از قابلیت احقاق حقوق قربانیان و پیشگیری از وقوع مجدد چنین حوادثی برخوردار است؟ مقاله حاضر، با تمرکز بر پرسش‌های مذکور و واکاوی حقوقی دو واقعه اشاره‌شده (حمله به صداوسیما و زندان اوین) به‌عنوان مطالعات موردی نقض ادعایی مصونیت اماکن غیرنظامی، در صدد تبیین این ضرورت است که تفسیر دقیق‌تر، تقویت سازوکارهای حمایتی و تضمین اجرای مؤثر هنجارهای موجود در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. غایت این پژوهش، اثبات آن است که حفظ

مصونیت اماکن غیرنظامی، نه امتیازی اعطایی، بلکه شرط بنیادین مشروعیت و انسانیت در مخاصمات مسلحانه و ضامن بقای حداقل‌های تمدنی است؛ نقض سیستماتیک این اصل، شالوده‌های کل نظام حقوق بشردوستانه را با مخاطره‌ای جدی مواجه می‌سازد. نوعاً درک عمیق‌تر و التزام عملی فزون‌تر به این اصل، نیازی فوری در رویارویی با پیچیدگی‌های جنگ‌های معاصر برای جامعه بین‌المللی محسوب می‌گردد.

۱. پیشینه و ادبیات پژوهشی

مقاله با موضوع: اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مواجهه با تسلیحات نوین نظامی: چالش‌ها و راهکارها به قلم طرازکوهی و همکاران که در فصلنامه پژوهش‌های حقوقی چاپ شده است؛ یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است: هرچند جنگ‌افزارهای جدید همچون هر پدیده‌ی نوپهور دیگری موجد چالش حقوقی برای سازندگان و تنش میان کشورها بوده‌اند لیکن می‌توان با تنظیم مقررات خاص از این تنش‌ها کاست.

مقاله با موضوع: نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل در ترور شهید سید حسن نصرالله به قلم پورامینی که در پاسدار/اسلام چاپ شده است؛ یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است: حملات گسترده رژیم صهیونیستی به مناطق مسکونی و غیرنظامی لبنان همراه با این ترور، نقض اصول تفکیک و تناسب است که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه تصریح شده‌اند.

مقاله با موضوع: تأثیرات و نوآوری‌های متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل به قلم عبدالله زاده و همکاران، که در تحقیقات حقوقی چاپ شده است: قواعد حقوق بشردوستانه نیز موجب توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه جرم‌انگاری‌های جدید و توسعه حقوق بین‌الملل در حوزه‌های جنایات بین‌المللی زیست‌محیطی و جنایات علیه آثار فرهنگی و تاریخی گردیده است.

مقاله با موضوع: نظریه‌های لزوم رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط گروه‌های مسلح غیردولتی در پرتو مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی یمن به قلم زمانی و همکاران که در پژوهش حقوق عمومی چاپ شده است؛ یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است: به نظر می‌رسد نظریه‌ی پایبندی گروه مسلح غیردولتی به قوانین بین‌المللی به دلیل ایفای برخی عناصر حاکمیتی توسط گروه مسلح غیردولتی، التزام گروه‌های مذکور را بهتر تبیین می‌نماید.

مقاله با موضوع: نقش اصل تفسیری یکپارچگی سیستمی در توسعه متقابل حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه به قلم وکیل و همکاران که در مطالعات حقوق عمومی چاپ شده است؛ یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است: یکپارچگی سیستمی یا برای تقویت اعمال قواعد حقوق بشر از طریق حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا برای جلوگیری از تضاد هنجاری بین هنجارهای متفاوت این دو شاخه‌ی حقوقی، به‌ویژه در زمینه‌ی مسائلی مانند استفاده از زور و بازداشت (خودسرانه)، به‌کار می‌رود.

چندین منبع دیگر که به علت رعایت اصل اختصار صرف‌نظر گردید.

۲. مسئولیت اعضای سازمان ملل در وضعیت مخاصمات جنگی

مسئولیت اعضای سازمان ملل متحد در وضعیت مخاصمات جنگی عمدتاً از طریق شورای امنیت سازمان ملل اعمال می‌شود که مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. بر اساس بند (۱) ماده (۲۴) منشور سازمان ملل، اعضای سازمان مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌کنند و موافقت می‌نمایند که این شورا در اجرای این وظایف از طرف آن‌ها اقدام کند. به عبارت دیگر، مسئولیت اعضای سازمان ملل در زمان مخاصمات مسلحانه تحت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اصل مسئولیت حمایت^۱ تعریف می‌شود. اصل مسئولیت حمایت بر اساس قطع‌نامه سال ۲۰۰۵ سازمان ملل، بر لزوم دفاع در برابر جنایات شدید مانند نسل‌کشی، جنایت جنگی و جنایات علیه بشریت تأکید دارد و دولت‌های عضو را ملزم به مداخله در صورت ناتوانی دولت دیگر در حفاظت از جمعیت خود می‌کند.^۲

بر اساس پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها و سایر قواعد حقوق بین‌الملل و تبیین و شفاف‌سازی تعهدات بین‌المللی این دولت‌ها، به‌ویژه مراعات و تضمین حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان اجرای عملیات و هنگام ارائه سایر اشکال خدمات توسط این شرکت‌ها به منظور محدود کردن هرچه بیشتر تخلفات و نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است (توجه شود به: شریفی طراز کوهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۷).

پرواضح است مسئولیت اعضای سازمان ملل متحد در پیشگیری از مخاصمات جنگی شامل همکاری با شورای امنیت و دیگر ارگان‌های سازمان برای شناسایی، مدیریت و رفع علل ریشه‌ای تنش‌ها و تهدیدات علیه صلح است. اقدامات پیشگیرانه باید در ابتدایی‌ترین مرحله ممکن یعنی قبل از شروع درگیری‌های مسلحانه انجام شود تا بیشترین اثرگذاری را داشته باشد. این اقدامات شامل رسیدگی به دلایل ساختاری و ریشه‌داری مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نهادی است که می‌تواند زمینه‌ساز بروز مخاصمه باشد. در دوران معاصر عدالت و امنیت بین‌المللی حاکم بر جهان امروز را موضوعات مختلفی به چالش می‌کشد، معضلاتی نظیر تروریسم، نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، سرکوب‌های خشن دولت‌های خودکامه و غیره همگی تأثیر بسزایی

^۱ . Responsibility to Protect - R2P

^۲ . مسئولیت بین‌المللی اعضای سازمان ملل (International Responsibility) یکی از موضوعات مهم و پراهمیت حقوق بین‌الملل در دوران معاصر است. زیرا این موضوع، رابطه نزدیکی با دیگر حوزه‌های حقوق بین‌الملل بویژه مسئله صلح و امنیت بین‌المللی دارد. از این جهت تبیین دقیق مسئولیت بین‌المللی دولت و ملزم بودن به آن، موجب توسعه ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل است و بر مسئولیت بین‌المللی دولت آثار مفید و ارزشمندی مترتب خواهد شد. لزوم جبران خسارت مادی و حتی در مواردی جبران خسارت معنوی از زیان دیده، از جمله آن آثار است.

در نقض عدالت و امنیت کیفری جهانی ایفا می‌کنند که نیازمند اعادهٔ وضعیت و مقابله و برخورد است (حجازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹).

اصل ملازمه حق و تکلیف یک اصل کلی و مورد قبول همه نظام‌های حقوقی است، طبق این اصل اگر کسی حقی دارد به تبع آن مسئولیت متوجه او می‌شود. پس دولت هم حق دارد و هم مسئولیت دارند. مسئولیت یعنی پاسخ‌گویی در برابر اعمال زیان‌بار ما به‌طور کلی سه نوع مسئولیت (اخلاقی، کیفری، مدنی) داریم. مسئولیت اخلاقی در حقوق بین‌الملل جایگاهی ندارد و آنچه که در این راستا مطرح می‌شود تعهد اخلاقی دولت‌هاست نه مسئولیت اخلاقی آن‌ها. دولت‌ها مسئولیت کیفری خویش را نیز قبول ندارند تا به امروز هیچ سند بین‌المللی مبنی بر قبول چنین مسئولیتی به تصویب دولت نرسیده است. (کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۶۹ بررسی طرح مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی کشورها را آغاز نمود تا سرانجام در نوامبر ۲۰۰۱ طرح مذکور به تصویب کمیسیون رسید. علی‌رغم اشاره به مسئولیت کیفری دولت‌ها در پیش‌نویس این طرح (ماده ۱۹)، چنین مسئولیتی به تصویب نهایی کمیسیون نرسید. طرح تصویبی ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل هنوز به تصویب دولت‌ها نرسیده است.) اما این مسئله به معنی نادیده انگاشتن مسئولیت کیفری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل نیست. بدین ترتیب اصل، قبول مسئولیت مدنی دولت‌ها است.^۱

۳. ضرورت حفظ حقوق بشردوستانه در وضعیت مخاصمات جنگی

جنگ، به‌رغم خشونت ذاتی و پیامدهای ویرانگرش، نمی‌تواند و نباید به فضایی عاری از قانون و اخلاق تبدیل گردد. در قلب این تلاطم، حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) یا حقوق جنگ به‌عنوان چارچوبی حیاتی عمل می‌کند که هدف غایی آن کاهش رنج‌های انسانی ناشی از مخاصمات مسلحانه و حمایت از قربانیان بی‌دفاع آن بوده و نوعاً ارائه یک چارچوب قانونی است (Petroniuk, 2023).

این شاخه از حقوق بین‌الملل، فارغ از توجیهات یا مشروعیت اولیه توسل به زور، به‌طور الزامی بر کلیه طرفین درگیر اعم از دولتی و غیردولتی اعمال می‌شود. ضرورت پایبندی به این قواعد، ریشه در دلایل عمیق انسانی، الزامات حقوقی مستحکم و مبانی اخلاقی غیرقابل‌انکار دارد که نقض آن را به‌هیچ‌روی توجیه‌پذیر نمی‌سازد. اساساً، حقوق بشردوستانه تلاش می‌کند تا حتی در تاریک‌ترین لحظات درگیری، کرامت ذاتی انسان را پاس دارد و از تبدیل مخاصمه به فاجعه‌ای تمام‌عیار جلوگیری کند. چرا که حقوق بشردوستانه این حقوق «هسته‌ای تغییرناپذیر حقوق بشر» هستند که نمی‌توان آن‌ها را نقض کرد (Volodymyr et al, 2024: 80).

از منظر انسانی، مخاصمات مسلحانه به‌گونه‌ای فاجعه‌بار غیرنظامیان، اسیران جنگی، مجروحان، بیماران و سایر افراد خارج از نزاع را نشانه می‌رود. حقوق بشردوستانه با وضع محدودیت‌های صریح بر روش‌ها و ابزارهای جنگی،

^۱ به پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی رجوع گردد.

سنگ‌بنیان محافظت از جان و کرامت انسان‌ها را می‌نهد. ممنوعیت‌های مطلق و بنیادینی چون حملات عمدی به غیرنظامیان، استفاده از سپر انسانی، شکنجه و رفتارهای ظالمانه، تحقیرآمیز یا غیرانسانی، حملات کورکورانه و مجازات‌های جمعی، همگی در راستای مهار وحشت جنگ و حفظ حداقل‌های حیات انسانی وضع شده‌اند. این قواعد مستقیماً به صیانت از هستی و شرافت انسانی در برابر افراطی‌ترین اشکال خشونت می‌پردازند، چرا که رنج غیرنظامیان و افراد خارج از نبرد هرگز نمی‌تواند ابزاری مشروع برای دستیابی به اهداف نظامی قلمداد شود. پشتوانه این تلاش‌های انسانی، الزام حقوقی مستقر در معاهدات و عرف بین‌المللی است. حقوق بشردوستانه صرفاً یک آرمان اخلاقی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای الزام‌آور از قواعد حقوقی است که در معاهدات بین‌المللی به‌شدت پذیرفته‌شده، به‌ویژه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به آن‌ها به‌ویژه پروتکل‌های (I، II) و نیز قواعد عرفی بین‌المللی تبلور یافته است. بنابراین، هر قاعده حقوق بین‌الملل بشردوستانه نشان‌دهنده تعادل ظریفی است که توسط دولت‌ها ایجاد شده تا هم نیاز مشروع آن‌ها به توانایی مبارزه مؤثر در میدان نبرد و هم تمایل آن‌ها به اجتناب از آسیب غیرضروری به رزمندگان و جمعیت غیرنظامی را در خود جای دهد (Schmitt, 2011: online).

دولت‌ها با تصویب این معاهدات، متعهد به رعایت و تضمین اجرای آن‌ها در تمامی شرایط، از جمله مخاصمات مسلحانه، شده‌اند. این الزام حقوقی، سازوکارهایی برای پاسخ‌گویی در نظر گرفته است؛ نقض فاحش مقررات بشردوستانه می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی تحت تعقیب کیفری بین‌المللی (مانند در دیوان کیفری بین‌المللی) قرار گیرد. رعایت این قواعد به‌طور ملموسی منجر به کاهش تلفات غیرنظامی، کاهش آلام بشری و تسهیل دسترسی کمک‌های انسان‌دوستانه می‌شود، چرا که چارچوبی روشن و قابل استناد برای رفتار طرفین متخاصم فراهم می‌کند. نکته حائز اهمیت در خصوص این حقوق این است که در همه زمان‌ها قابل اجرا است و بر حفاظت از حقوق اساسی بشر، از جمله حق زندگی تأکید می‌کند (Surkes & Tsebenko, 2024: 354).

افزون بر الزام حقوقی، تخطی‌ناپذیری اصول بنیادین انسانی حتی در شرایط اضطراری جنگ، دلیلی اخلاقی و حقوقی قدرتمند برای پایبندی است. اگرچه جنگ وضعیتی استثنایی است و امکان تعلیق برخی حقوق بشر در آن وجود دارد، اما هسته‌ای از حقوق بنیادین بشری و قواعد آمره (Jus Cogens) حقوق بشردوستانه، مطلق و غیرقابل تعلیق هستند. اصولی مانند حق حیات (در خارج از عملیات نظامی مشروع)، ممنوعیت مطلق شکنجه و رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز، منع تبعیض در ارائه کمک‌ها، و تضمین دسترسی به محاکمه عادلانه برای بازداشت‌شدگان، در هر شرایطی باید محترم شمرده شوند. این تخطی‌ناپذیری، بازتاب ارزش‌های اخلاقی مشترک بشریت است که حتی در بحبوحه درگیری‌ها نیز نباید قربانی شوند. نقض این اصول نه تنها جنایت است، بلکه خط‌قرمزی اخلاقی است که عبور از آن، بنیان‌های انسانیت را تهدید می‌کند و جواز سقوط به ورطه بربریت را صادر می‌نماید. باید دانست جهانی بودن، عدم تبعیض، برابری و غیرقابل انکار بودن اصول اصلی حاکم بر قانون بین‌المللی حقوق بشر (IHRL) است

(Khan Arif, 2018: 44).

نوعاً حقوق بشردوستانه نقشی فعال و پیشگیرانه در تقویت صلح، مشروعیت‌بخشی و محدودسازی عواقب جنگ ایفا می‌کند. این حقوق صرفاً منفعلانه نیست. با الزام به رعایت اصول کلیدی همچون تفکیک (تمایز قائل شدن الزامی بین رزمندگان و غیرنظامیان و بین اهداف نظامی و اموال غیرنظامی) و تناسب (پرهیز از حمله‌ای که آسیب غیرنظامی پیش‌بینی‌شده‌ی آن، با مزیت نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار، نامتناسب باشد)، به محدود کردن دامنه، شدت و پیامدهای جنگ کمک شایانی می‌کند. این محدودیت‌ها از تبدیل جنگ‌ها به نابودی‌های بی‌رویه، تخریب گسترده زیرساخت‌های حیاتی و فجایع زیست‌محیطی پایدار جلوگیری می‌نماید. علاوه بر این، پایبندی به این قواعد می‌تواند به مشروعیت‌بخشی نسبی اقدامات نظامی در نگاه جامعه بین‌المللی کمک کند، چرا که نشان‌دهنده تلاش برای رعایت حداقل‌های انسانی حتی در درگیری است. این امر می‌تواند به اعتمادسازی و تسهیل فرآیندهای صلح پس از جنگ بیانجامد، چرا که نشان‌دهنده پایبندی به قواعد مشترک و احترام به حیات انسانی از سوی طرفین است. متأسفانه شاهد هستیم در برخی از گزارشات ارائه شده مستند از مخاصمات آمده دسترسی بشردوستانه برای ارائه کمک بسیار مهم است، اغلب توسط طرف‌های درگیر مانع می‌شود و ارائه کمک را پیچیده می‌کند (Usmanov et al, 2022: 461) و (Martynevich & Usmanov, 2022: 143).

فلذا به عقیده نگارنده ضرورت حفظ حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه، امری تجملی یا اختیاری نیست؛ بلکه ضرورتی حیاتی و چندبعدی است که ریشه در ماهیت انسان دارد. این ضرورت از کرامت ذاتی و حیات انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد که حتی در هیاهوی جنگ نیز نباید نادیده گرفته شود. این الزام در چارچوب حقوقی مستحکم معاهدات و عرف بین‌المللی ریشه دارد که رعایت آن برای کلیه طرفین درگیر، تکلیفی قانونی محسوب می‌شود و نقض آن پیامدهای کیفری به دنبال دارد. و سرانجام، این ضرورت بر بنیان‌های اخلاقی تزلزل‌ناپذیر استوار است که نقض آن‌ها خطایی نابخشودنی علیه انسانیت به‌شمار می‌آید. آنچه در اکثر منابع به صورت کاملاً اجماعی می‌توان ادعا نمود این مسئله است که همگی بر این نکته تأکید مؤکد دارند که در حقوق بین‌المللی بشردوستانه یک ثابت از هنجارهای قانونی است که باید توسط همه طرف‌های یک درگیری مسلحانه اعمال شود (Hrushko & aa ццооооо, 2021: 102). اینجاست که از فرماندهان در واقعیت نبرد مسلحانه انتظار می‌رود که آن‌ها را اعمال و مشاهده کنند (Kubiak, 2023).

جامعه بین‌الملل با تصویب و توسعه مستمر این حقوق و ایجاد سازوکارهای نظارتی و پاسخ‌گویی (هرچند نیازمند تقویت)، بارها بر این اصل حیاتی تأکید نموده است: حقوق بشردوستانه، معیاری ضروری برای تنظیم رفتار در جنگ و تضمین این حقیقت انکارناپذیر است که "حتی در جنگ، محدودیت‌هایی وجود دارد." رعایت آن، خط‌فاصل حیاتی میان درگیری مهارشده و سقوط به ورطه بی‌قانونی و بربریت است و بقای انسانیت در میان شعله‌های جنگ را به نوعی

تضمین می‌کند.

۴. وضعیت اماکن غیرنظامی در حقوق مخاصمات جنگی

در حقوق بشردوستانه بین‌المللی (حقوق مخاصمات مسلحانه)، اماکن غیرنظامی شامل مساکن، بیمارستان‌ها، مؤسسات آموزشی، اماکن عبادی، آثار فرهنگی و تاریخی و سایر اموال فاقد کاربری نظامی، از حمایت ویژه و مشروطی برخوردارند، و اصول بنیادین این شاخه از حقوق بین‌الملل به‌صراحت بر ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی تأکید می‌نمایند. چارچوب این حمایت مبتنی بر چند اصل کلیدی است:

– اولاً: اصل تمایز که الزام می‌نماید طرف‌های درگیر همواره میان اهداف نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شده و حملات را منحصرأ متوجه اهداف نظامی سازند؛ هدف قرار دادن اماکن غیرنظامی که سهم فعالی در عملیات نظامی ندارند، عملی نامشروع بوده و مطابق ماده (۸) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند مصداق جنایت جنگی محسوب گردد. طرفین درگیری مکلف‌اند بین و اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شوند (Kaař, 2007: 84).

– ثانیاً: اصل تناسب که مقرر می‌دارد ایراد خسارت جانبی به غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی در مقایسه با مزیت نظامی عینی و مستقیم مورد انتظار نباید افراطی باشد، لذا حتی در صورت مشروعیت ذاتی یک هدف نظامی، حمله به آن در صورتی که خسارات تصادفی وارده بر غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی نامتناسب با آن مزیت نظامی باشد، ممنوع است. هرچند که حفاظت از جمعیت غیرنظامی یک نوآوری جدید در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و مفاد معاهدات قدیمی در این مورد کاملاً ابتدایی بودند (Ronzitti, 2010: online).

– ثالثاً: اصل اقدامات احتیاطی که طرف‌های مخاصمه را موظف می‌نماید کلیه اقدامات عملی ممکن را جهت به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی به‌کار گیرند، از جمله ارزیابی دقیق مشروعیت اهداف، انتخاب تاکتیک‌ها و تسلیحات با هدف کاهش خسارات جانبی، و ارائه هشدارهای پیش از حمله در صورت امکان‌پذیری عملیاتی است.

علی‌ای‌حال می‌توان گفت: "در این راستا، حمله به اماکن غیرنظامی، به‌ویژه تأسیسات حیاتی مانند بیمارستان‌ها، مراکز امدادی و اماکن دارای فعالیت غیرنظامی مستمر، به‌طور مطلق ممنوع است و هیچ توجیه حقوقی ندارد"، در مورد نحوه تشخیص نیز وارد شده است تردید در مورد شخصیت افراد یا ماهیت اشیاء غیرنظامی اختصاص داده شده منجر به «فرض» غیرنظامی بودن می‌شود «مگر اینکه اطلاعات موجود نشان دهد که افراد یا اشیاء اهداف نظامی هستند» (van Coller, 2024).

اگر چیزی غیر از این سازوکار نباید باشد چرا که چنین اقداماتی اگر صورت گیرد نه تنها نقض فاحش حقوق

بشردوستانه بین‌المللی، بلکه نقض آشکار حقوق بشر تلقی می‌شوند. از منظر مسئولیت کیفری، اشخاص حقیقی که در برنامه‌ریزی، دستور یا اجرای حملات علیه اماکن غیرنظامی مشارکت دارند، (همانند زندان اوین و امثالهم) ممکن است در معرض تعقیب بین‌المللی و محاکمه به اتهام ارتکاب جنایات جنگی قرار گیرند. از نظر منشور سازمان ملل متحد، ماده ۲ بند ۴ استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورها ممنوع است، مگر در موارد دفاع مشروع مطابق ماده ۵۱ یا اقدام شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور. حمله به اهداف غیرنظامی که فاقد مجوز قانونی است، نقض آشکار این ماده و تعریف عملی تجاوز است. تعرض به اهداف غیرنظامی در حقوق بین‌الملل به عنوان نقض حقوق بشردوستانه، تجاوز نظامی و جنایت جنگی شناخته شده و فاقد توجیه قانونی است، مگر اینکه شرایط سخت و خاص دفاع مشروع (وجود حمله قریب‌الوقوع و ضرورت فوری) به اثبات برسد که بسیار محدود و نادر است. بنابراین، از منظر حقوق بین‌الملل، هرگونه حمله عمدی و بی‌تفکیک به اهداف غیرنظامی محکوم است و باعث مسئولیت کیفری و بین‌المللی مرتکب خواهد شد. رعایت دقیق اصول تفکیک و احتیاط در جنگ برای کاهش رنج غیرنظامیان یک الزام حقوقی و اخلاقی است در نتیجه می‌توان مدعی گردید، حفاظت از اماکن غیرنظامی یکی از خطوط قرمز غیرقابل عبور در حقوق مخاصمات مسلحانه محسوب می‌شود و هرگونه نقض آن به‌طور جدی می‌تواند «جنایت جنگی» به شمار آید.

۵. جایگاه رسانه و زندان‌ها در حقوق مخاصمات جنگی

نوعاً حقوق بین‌الملل بشردوستانه (IHL) با هدف کاهش آلام ناشی از مخاصمات مسلحانه، حمایت قاطعی از اماکن غیرنظامی به عمل می‌آورد. این حمایت، مبتنی بر اصول بنیادین تفکیک، تناسب و احتیاط است که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، به‌ویژه پروتکل اول، تدوین شده و جنبه عرفی یافته‌اند. من باب مثال بر اساس اصل تفکیک (Distinction) می‌توان مدعی گردید طرفین درگیر ملزم به تمایز قائل شدن دائمی بین اهداف نظامی و غیرنظامی و نیز رزمندگان و غیرنظامیان هستند. حمله منحصرأً علیه اهداف نظامی مجاز است. هدف غیرنظامی (مکانی که به دلیل ماهیت، موقعیت، هدف یا استفاده کنونی، سهم مؤثری در عمل نظامی ندارد و تخریب، خنثی‌سازی آن مزیت نظامی قطعی نداشته باشد) «مطلقاً از حمله مصون است» (رجوع شود به: پروتکل اول، مواد ۴۸، ۵۱ «۲»، ۵۲ «۲»)^۱.

در ارائه توضیحات بیشتر یا مثل اینکه بر اساس اصل تناسب (Proportionality) که قبلاً نیز مورد اشاره قرار گرفته است حمله به یک هدف نظامی مشروع ممنوع است اگر انتظار رود تلفات جانبی غیرنظامیان یا خسارت به

^۱. جهت مطالعه بیشتر به پروتکل‌های الحاقی و موارد استنادی رجوع گردد.

اهداف غیرنظامی، نسبت به مزیت نظامی مستقیم و ملموس مورد انتظار، افراطی باشد (نک به: پروتکل اول، مواد ۵۱(۵)(ب)، ۵۷(۲)(أ)(iii)).

اگر به صورت خاصه به مراتب فوق‌الذکر بخواهیم اشاره داشته باشیم زندان‌ها و مراکز بازداشتی (موضوع کنوانسیون سوم و چهارم ژنو، پروتکل اول) دارای نوعی مصونیت هستند این چنین اماکنی که محل نگهداری افراد بسیار آسیب‌پذیر (زندانیان جنگی، بازداشت‌شدگان، غیرنظامیان) فاقد قدرت دفاعی هستند. حمله به آن‌ها به دلیل خطر جانی بالا برای ساکنان، نقض شدید اصول تفکیک و احتیاط است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) صراحتاً حمله به اهداف غیرنظامی (ماده ۸(۲)(ii)(b)) و اماکن خاص مانند زندان‌ها (مواد ۸(۲)(ix)(b) و ۲۴(xiv)) را جنایت جنگی می‌داند. نمونه بارز، محکومیت حمله به زندان اوین تهران توسط نهادهایی مانند عفو بین‌الملل به عنوان جنایت جنگی محسوب و به نظر قابل تعقیب بین‌المللی است (نک به: موسوی فرد، ۱۴۰۴: آنالین).

یا در قالب نقض دیگر مراکز خبری و رسانه‌ها به عنوان اهداف غیرنظامی حیاتی برای اطلاع‌رسانی و حق دسترسی به اطلاعات، تحت پوشش اصل تفکیک قرار دارند. حمله عمدی به آن‌ها، بدون مشارکت مستقیم و مؤثر نظامی، نقض محرز و مسلم حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. با نگاهی تخصصی‌تر می‌توان چنین گفت: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حمله به اماکن غیرنظامی حیاتی مانند بیمارستان‌ها، زندان‌ها، مراکز خبری و ...، مادامی که در عملیات نظامی مشارکت مستقیم و مؤثر نداشته باشند، به طور مطلق ممنوع می‌کند. این ممنوعیت ریشه در اصول تفکیک، تناسب و احتیاط دارد. نقض آن نه تنها نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌هاست، بلکه می‌تواند جنایت جنگی تلقی شده و موجب مسئولیت کیفری فردی برای عاملان و فرماندهان و مسئولیت بین‌المللی دولت (شامل جبران خسارت) گردد. اسنادی چون کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، چارچوب حقوقی مستحکمی برای این حمایت و پیگرد نقض‌ها ایجاد کرده‌اند. با نگاهی به دیگر اسناد و رویه بین‌المللی می‌توان گفت: بیش از صد سال است که جامعه بین‌المللی گزارش دادن از میدان نبرد را یک وظیفه مشروع می‌داند. در قطع‌نامه ۱۷۳۸ مورخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اولین بار نگرانی خود را در مورد خشونت علیه «روزنامه‌نگاران، متخصصان رسانه و پرسنل مرتبط» در درگیری‌های مسلحانه ابراز کرد، حملات عمدی علیه آن‌ها را محکوم کرد و از همه طرف‌ها خواست تا به چنین اقداماتی پایان دهند. شورای امنیت با مطرح کردن موضوع حفاظت از روزنامه‌نگاران در درگیری‌های مسلحانه، نه تنها ضرورت، بلکه مشروعیت گزارشگری در زمان جنگ را به عنوان کمکی به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حل و فصل درگیری‌های مسلحانه به طور ضمنی به رسمیت شناخت و تأیید کرد. حفاظت از کارکنان رسانه‌های خبری در مناطق جنگی به وضوح موضوعی برای حقوق بین‌الملل بشردوستانه

است.^۱

قانون بین‌المللی حقوق بشر که به‌ویژه در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) بیان شده است: از دولت‌ها می‌خواهد که حق آزادی بیان را برای همه تضمین کنند، که شامل «آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها از هر نوع، صرف‌نظر از مرزها، چه به‌صورت شفاهی، چه به‌صورت کتبی یا چاپی، به شکل هنر یا از طریق هر رسانه دیگری» می‌شود. بر این اساس، آزادی بیان شامل حق عموم برای دریافت طیف گسترده‌ای از اطلاعات ارائه شده توسط رسانه‌ها و همچنین حق روزنامه‌نگاران برای جمع‌آوری و انتقال اطلاعات است. ماده ۱۹ (۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در صورتی که چنین محدودیتی توسط قانون پیش‌بینی شده باشد، هدف مشروعی را دنبال کند (مانند حفاظت از حقوق یا آبروی دیگران، امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی) و ضروری و متناسب باشد، محدودیت آزادی بیان را مجاز می‌داند. در سال ۱۹۷۷، پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو (مربوط به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی)، حمایت از حقوق بین‌الملل بشردوستانه را به سایر روزنامه‌نگارانی که به نیروهای مسلح وابسته نیستند، تعمیم می‌دهد. ماده ۷۹ پروتکل الحاقی اول تصریح می‌کند که همه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و... که «در مأموریت‌های حرفه‌ای خطرناک در مناطق درگیری مسلحانه شرکت دارند، غیرنظامی محسوب می‌شوند» و «به موجب کنوانسیون‌ها و این پروتکل از آن‌ها محافظت می‌شود، مشروط بر اینکه هیچ اقدامی که بر وضعیت غیرنظامی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد، انجام ندهند» (Prove, 2024: online).

۶. مواجهه حقوق مخاصمات در نقض قواعد علیه اماکن غیرنظامی

حقوق بین‌الملل بشردوستانه (IHL) به‌صراحت حمله به اهداف غیرنظامی را در درگیری‌های مسلحانه ممنوع می‌داند و چنین اقداماتی قابلیت طبقه‌بندی به‌عنوان جنایت جنگی را داراست. بر پایه قواعد بنیادین این نظام حقوقی، اماکنی نظیر بیمارستان‌ها، زندان‌ها، مراکز امدادی، مسکن شخصی و تأسیسات رسانه‌ای، حتی در صورت استقرار در مجاورت مناطق عملیاتی نظامی، از مصونیت برخوردارند. هدف‌گیری عمدی این اماکن نقض آشکار قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌شود که سازمان‌های حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل همواره بر آن تأکید ورزیده و موارد نقض را مستندسازی می‌کنند. علی‌ای حال توسعه دایره حقوق بشردوستانه، یک ضرورت غیرقابل‌انکار است. لزوم تدوین این نیاز مهم جامعه بشری در هنگام مخاصمات، فرجام اجتناب‌ناپذیری از جنگ است. چنانکه ماده ۴۸، بند دوم از مواد ۵۱ و ۵۲ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو اشاره به آن دارد که حملات باید تنها نسبت به نظامیان صورت گیرد (زبده و حقیقت پور، ۱۴۰۲: ۷).

^۱ . به عنوان جدیدترین نمونه به قطعنامه ۲۲۲۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد [۲۷ مه ۲۰۱۵] مراجعه کنید. جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به: (See: Gasser, Content type:Encyclopedia entries, December 2015)

نمونه‌های عینی نظیر حملات منتسب به اسرائیل علیه زندان اوین تهران، ساختمان صداوسیما و بیمارستان‌ها در ایران، توسط این نهادها به عنوان نقض فاحش حقوق بشردوستانه شناسایی و خواستار تحقیق و تعقیب قضایی بین‌المللی شده‌اند. به همین ترتیب، بمباران مناطق مسکونی بدون رعایت اصل تفکیک که موجبات تلفات انسانی گسترده را فراهم می‌آورد، مصداق بارز نقض این اصول بنیادین است. تبعات حقوقی چنین حملاتی که برخلاف اصول حقوق مخاصمات می‌باشد بسیار گسترده و چندبُعدی است:

- اولاً، این اقدامات نقض صریح حقوق بین‌الملل بشردوستانه (IHL) و حقوق بشر محسوب شده و مطابق ماده ۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) قابلیت تعقیب به عنوان جنایت جنگی را داراست، به طوری که هم فرماندهان و هم مجریان مستقیم در معرض پیگرد کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند.^۱
- ثانیاً، هدف‌گیری عمدی تأسیسات غیرنظامی مشخصی در عملیات نظامی مشارکت ندارند، عملی خلاف قانون بین‌الملل بوده و مستوجب محکومیت توسط مراجع قضایی و نهادهای بین‌المللی است. حمله به اهداف غیرنظامی را که ناقض حقوق بشردوستانه است، مگر در شرایط خاص که به اهداف نظامی تبدیل می‌شوند، ممنوع می‌کند (Farhat et al, 2022: 60).
- ثالثاً، تبعات صرفاً به مسئولیت کیفری افراد محدود نبوده و شامل محکومیت سیاسی بین‌المللی، فشارهای دیپلماتیک و تحریم‌های شورای امنیت علیه دولت ناقض می‌گردد. در بعد نظامی در بحث حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌توان چنین گفت: به حداقل رساندن خسارات جانبی مستلزم اجرای رویه‌های هدف‌گیری بسیار دقیق و حتی اتخاذ تاکتیک‌هایی است که برای خارج کردن نبرد سستی از شهرها طراحی شده‌اند (Durhin, 2016: 177).

مضاف بر مراتب فوق‌الذکر، این حملات پیامدهای انسانی عمیقی به همراه دارد: اعتماد عمومی به نظام حقوقی بین‌المللی را تضعیف نموده و امنیت روانی جوامع را به شدت مخدوش می‌سازد. اعمال فشار روانی سیستماتیک بر غیرنظامیان می‌تواند مصداق شکنجه روانی یا رفتارهای غیرانسانی در چارچوب حقوق بشر تلقی گردد. از دیگر سو، تخلف از اصول کلیدی تفکیک (تمایز قاطع بین اهداف نظامی و غیرنظامی) و تناسب (حفظ توازن معقول بین مزیت نظامی و آسیب‌های غیرنظامی) خود مسئولیت‌آور است. نهایتاً، حمله به قلمرو یک دولت می‌تواند نقض حاکمیت ملی

^۱ . حقوق بین‌الملل بشردوستانه به طور فزاینده‌ای به عنوان بخشی از حقوق بشر قابل اجرا در درگیری‌های مسلحانه تلقی می‌شود. این روند را می‌توان به کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۴۸ در تهران برگزار شد، ردیابی کرد که نه تنها توسعه خود حقوق بشردوستانه را تشویق کرد، بلکه آغاز استفاده روزافزون سازمان ملل متحد از حقوق بشردوستانه را در طول بررسی وضعیت حقوق بشر در برخی کشورها یا در طول مطالعات موضوعی خود نشان داد. آگاهی بیشتر از ارتباط حقوق بشردوستانه با حمایت از مردم در درگیری‌های مسلحانه، همراه با استفاده فزاینده از حقوق بشر در امور بین‌الملل، به این معنی است که هر دو حوزه حقوقی اکنون از جایگاه بین‌المللی بسیار بیشتری برخوردارند و به طور منظم در کار سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی با هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. (Beck L, 1993: 49)

تلقی شده و به عنوان مداخله غیرقانونی در امور داخلی قابل پیگرد باشد. بر اساس دکترین مسئولیت حمایت، که در سال‌های اخیر در گفتمان سازمان ملل متحد و به‌ویژه دبیرکل ملل متحد به کرات بدان اشاره شده، بیش از هر موضوعی به حوضه حقوق توسل به زور یا *Jus ad Bellum* ربط دارد، که بر مسئولیت و تعهد جهانی برای حمایت از غیرنظامیان با توسل به نیروی نظامی استوار است. توسل به زور در این شرایط باید با رعایت کامل منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا *Jus in Bello* همراه و هدف اصلی آن برقراری عدالت و حاکمیت قانون باشد. تئوری مسئولیت حمایت از دیدگاه کلاسیک جنگ عادلانه یا *Just War* نشئت گرفته که علاوه بر این موارد شامل *Jus Post Bellum* یا حقوق پس از مخاصمه نیز می‌شود که در دکترین جنگ عادلانه معنایی محدود دارد، ولی امروز در گفتمان مسئولیت حمایت و با تکیه بر اصول و موازین حقوق بین‌الملل بشر (به عنوان مثال در وضعیت جنگی و امثالهم) در قالب بازسازی و بازپروری متصور است و معنایی موسع دارد (عسکری، ۱۳۹۵: ۹۷۶).

فلذا، نتیجتاً حمله به اهداف غیرنظامی مستلزم پیامدهای حقوقی سنگینی شامل الزام به جبران خسارات، مسئولیت کیفری بین‌المللی، تحریم‌های سازمان ملل، محکومیت سیاسی و تعقیب قضایی عاملان است. این تبعات که در چارچوب معاهدات حقوق بشردوستانه (به‌ویژه کنوانسیون‌های ژنو) و منشور ملل متحد قابل اعمال هستند، هم شامل مجازات افراد و هم فشار بر دولت‌ها می‌شود. رعایت این قواعد برای صیانت از کرامت انسانی در مخاصمات و تضمین کارایی نظام حقوقی بین‌الملل ضرورتی غیرقابل‌انکار است.

نتیجه‌گیری

در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق مخاصمات مسلحانه، مصونیت اماکن غیرنظامی از تعرضات نظامی به عنوان یکی از اصول بنیادین و غیرقابل‌انکار شناخته می‌شود. این اصل که در اسناد معتبر بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی به آن (۱۹۷۷) مورد تصریح قرار گرفته، بر دو رکن اساسی حقوق بشردوستانه، یعنی اصل تمایز (*Distinction*) بین اهداف نظامی و غیرنظامی و اصل تناسب (*Proportionality*) در عملیات نظامی تأکید دارد.

حملات هدفمند به تأسیسات غیرنظامی از قبیل مراکز رسانه‌ای و نهادهای اصلاحی و تربیتی، در صورت عدم اثبات کارکرد نظامی مشخص، نه تنها نقض آشکار موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌گردد، بلکه با توجه به ماده ۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸)، می‌تواند واجد وصف جنایت جنگی تلقی گردد. در خصوص حمله به سازمان صدا و سیما، این اقدام از چند منظر حقوقی قابل نقد است: نخست آنکه با توجه به ماده ۲ منشور ملل متحد و ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی، این حمله فاقد مجوز شورای امنیت و توجیه نظامی مشروع بوده است. دوم آنکه با استناد به ماده ۴۸ پروتکل اول، اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی نقض گردیده است.

سوم آنکه مطابق ماده ۵۱ همان پروتکل، اصل تناسب در حمله رعایت نشده و خسارات غیرضروری به غیرنظامیان وارد آمده است. مضافاً اینکه این اقدام، نقض آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات که از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود، بوده است.

در مورد حمله به زندان اوین نیز، با توجه به اسناد بین‌المللی از جمله مقررات حداقل استاندارد رفتار با زندانیان (قواعد نلسون ماندلا)، این اقدام مصداق بارز نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه محسوب می‌گردد. این حمله علاوه بر نقض کرامت انسانی زندانیان، با موازین مندرج در کنوانسیون‌های ژنو و اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی در تعارض آشکار قرار دارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تحقق اهداف حقوق بشردوستانه مستلزم تقویت نهادهای نظارتی بین‌المللی، افزایش سطح مسئولیت‌پذیری دولت‌ها، و توسعه سازوکارهای قضایی برای تعقیب و محاکمه ناقضان مصونیت اماکن غیرنظامی است. همچنین، ارتقای آگاهی عمومی و اعمال فشارهای بین‌المللی هدفمند می‌تواند به عنوان مکانیسمی مؤثر در پیشبرد اهداف حقوق بشردوستانه ایفای نقش نماید. در خاتمه باید تأکید نمود که رعایت مصونیت تأسیسات غیرنظامی نه تنها ضامن حفظ جان غیرنظامیان و کاهش تلفات انسانی است، بلکه شرط لازم برای تحقق عدالت انتقالی و استقرار صلح پایدار در جوامع آسیب‌دیده از مخاصمات مسلحانه محسوب می‌گردد. بنابراین، جامعه بین‌المللی موظف است با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای حقوقی و سیاسی موجود، از وقوع چنین نقض‌های فاحشی جلوگیری نموده و ناقضان را به پای میز محاکمه بکشاند.

منابع

۱. عسکری، پوریا (۱۳۹۵). عدالت پس از جنگ و مسئولیت حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه. *فصلنامه علمی مطالعات حقوق عمومی (حقوق)*، ۴۶، (۴)، ۹۷۶.
۲. موسوی فرد، سیدمحمد رضا (۱۴۰۴). هنجارشکنی رژیم صهیونی در تعرض به زندان اوین با عبور از خط قرمزهای حقوق بین‌المللی. *خبرگزاری میزان*، قابل دسترسی: <https://www.mizanonline.ir/00KJu8>
۳. زبده، محمد؛ و حقیقت پور، حسین (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی در مصونیت غیرنظامیان و زوال آن در نظام‌های حقوق بشردوستانه اسلام و بین‌الملل. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۱۲، (۳)، ۷.
۴. شریفی طراز کوهی، حسین؛ اذری، مارال (۱۳۹۰). مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی. *فصلنامه آفاق امنیت*، ۴، (۱۲)، ۶۷.
۵. حجازی، سید امرالدین؛ و صلح چی، محمد علی (۱۳۹۹). شورای امنیت سازمان ملل متحد و تأثیر آن در ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین‌المللی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۹، (۳۳)، ۹.

References

1. Doswald-Beck L, Vité S. (1993). International Humanitarian Law and Human Rights Law . *International Review of the Red Cross* ,33(293).
2. Durhin N. (2016). Protecting civilians in urban areas: A military perspective on the application of international humanitarian law .*International Review of the Red Cross* , 98(901) ,177.
3. Farhat, S. A., Nurdin, R & Basir, S. B. (2022). Attacks Against Civilian Objects: An Analysis Under International Humanitarian Law .*Hasanuddin Law Review* ,8(1) ,60.
4. Hans-Peter Gasser (2015). War, Protection of News Media Workers .*Max Planck Encyclopedias of International Law [MPIL]* ,Oxford Public International Law. Available online :<https://opil.ouplaw.com/display/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e430?rskey=ILPBmA&result=83&prd=OPIL&print>
5. Khan Arif, S. M. A. W. (2018). International Human rights law in an armed conflict: Legal perspectives on obligations of States and Extraterritoriality. (6)1, 44.
6. oo sřř, .. (2007). *Cvnnnnnnmmunity in War: Legal Aspects* .Oxford University Press.
7. Kubiak, M. (2023). Basic principles of international humanitarian law of armed conflict . Security Dimensions.
8. aa pцннко, H & ,Hrushko, M. (2021). Humanitarian Access during Armed Conflicts . *Unіversitetskі uuу kovZ žpsski* ,102.
9. Natalino Ronzitti (May 2010). Civilian Population in Armed Conflict .*Max Planck Encyclopedias of International Law* .Available online : <https://opil.ouplaw.com/display/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e268>
10. Nykyforak, Volodymyr, Maksymiuk, Olexandr, Cheban, Viktoriia, Anatiichuk, Viktoriia, Pavliuk, Anatolii (2024). Human rights protection during armed conflicts .*Problem aspects: Revista Amazonia Investiga* ,13 ,(75) ,80.

11. Peter Prove (17 Aug 2024). Freedom of expression, and the protection of journalists in conflict situations. Article available online at :<https://waccglobal.org/freedom-of-expression-and-the-protection-of-journalists-in-conflict-situations>
12. Petroniuk, K. (2023). Philosophy of correlation of international humanitarian law and international human rights law .*Visegrad Journal on Human Rights*.
13. Schmitt, M.N. (2011). Military Necessity and Humanity in International Humanitarian Law: Preserving the Delicate Balance. In :*Essays on Law and War at the Fault Lines* .T.M.C. Asser Press.
14. Tsebenko, S & ,Surkes, D. (2024). Protection of human rights at the international level during armed conflicts: history and contemporary challenges .*Вісник Національного Університету "Львівська Політехніка "*,11(41) ,354.
15. Usmanov, Yu & ,Martynevich, A. (2022). Humanitarian access in armed conflicts: current challenges .*Problems of Legality* ,156 ,143.
16. Usmanov, Yu & ,Vergeles, O. P. (2022). The problem of humanitarian access in armed conflicts .*Naukovij Visnik Užgorods'kogo Nacional'nogo Universitetu* ,69 ,461.
17. van Collier, A. (2024). Redefining doubt in cases of uncertainty: an analysis of the 2023 US DoD Law of War Manual revision to the presumption of civilian status in armed conflict .*Int J Humanitarian Action* ,9(3).

